

تلاقی علاقه‌هایم بود. به‌وسیله کارتون و نمایش می‌توانستم حرف‌های توی مغزم را رسانه‌ای کنم. درواقع رسانه‌کاری می‌کرد تا حرف‌ها تصویرسازی شده و قشنگ‌تر از حرف‌های معمولی روی پرده بیایند. رشته دبیرستانم هم با انیمیشن مرتبط بود. این طوری لاقال به درس لمطمه نمی‌زد!

■ انیمیشن «به‌دنبال زندگی» چقدر از وقتت را گرفت؟
حدود پنج ماه. دست‌تنها بودم. نزدیک ۲۰۰۰ فریم نقاشی کشیدم؛ صحنه به صحنه.

■ نتیجه نهایی کار به دلت نشست؟ دوستش داشتی؟
ایراد زیاد داشت، اما برای سن دانش‌آموزی خوب بود. جایزه گرفتنش هم امیدوارم کرد و باعث شد انیمیشن بعدم را بهتر بسازم. کارهای اول مثل بیجه اول می‌ماند ناشی هستی و بلد نیستی چطور نگهشان داری. اما به هر حال دوست‌داشتنی‌اند.

■ چرا بعد از «به‌دنبال زندگی» انیمیشن سومت را هم درباره جنگ ساختی؟

انگار جنگ همیشه بوده. وقتی به پناهنده‌های کشورهای دیگر نگاه می‌کنم، باورم نمی‌شود این بچه‌ها هم باید سال‌ها زیر بار سنگینی جنگ قد بکشند و بعد بچه‌هایشان بشوند افرادی مثل من. ما با اینکه جنگ را ندیدیم، اما اثراتش خواه‌ناخواه در زندگی مان هست. شاید اگر دنیا را از زاویه دید بچه‌ها می‌دیدیم و به‌دست بچه‌ها می‌سپردیم، همه چیز آن قدر زشت نمی‌شد. موضوع انیمیشن سوم من همین است!

■ و سومین کارت در جشنواره‌های بین‌المللی هم رتبه آورد؟

برگزیده شد، اما رتبه نگرفتم. در جشنواره دانشجویان خلاق ژاپن، ون ژو چین و فستیوال جوانان و احساس ایتالیا از انیمیشنم به‌عنوان آثار برگزیده تقدیر شد، اما رتبه اول تا سوم را نگرفتم.

■ افرادی هم بودند که در این زمینه کمکت کرده باشند؟
پدرم قبل و بعد از ساخت خیلی نصیحت‌های درستی می‌کرد. درمورد رفتارم با عوامل، مدیریت خرج، تدوین، دکوپاژ و... مادرم و چند نفر از دوستانم - فرزانه گل‌چمن، نسرين

شکرآزاده و محمدعلی کنارکناری - هم در زمینه طراحی شخصیت‌ها همراهی خیلی خوبی با من کردند و به‌علاوه دانشگاه پیام نور. شاید باور نکنید، اما دانشگاه‌ها هم می‌توانند واقعا مفید باشند!

گفت‌وگو با انیماتور جوان، دنیا کرم زاده

از بوشهر تا ژاپن

همه ما از لحظه تولد تا آخرین ثانیه‌های زندگی تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خانواده هستیم. فرقی نمی‌کند اعضای خانواده ما در روستا زندگی کنند یا شهر، تحصیل کرده باشند یا نه، ثروتمند باشند یا فقیر. اما موفق‌ترین افراد در تمام دنیا آن دسته از کسانی بوده‌اند که واقعیت‌های خانوادگی‌شان را پذیرفته‌اند و پس از آن تلاششان را چندین برابر کرده‌اند تا به موفقیت‌هایی که خودشان دلشان می‌خواسته رسیده‌اند. دنیا کرم‌زاده هم یکی از همین نوجوان‌های موفق است. در خرمشهر به دنیا آمده و با اینکه جنگ را ندیده، معتقد است سایه جنگ از کودکی تا به حال روی زندگی خودش و خانواده‌اش بوده است. پدر دنیا عکاسی می‌کند و او به‌واسطه شغل پدر با هنر آشناست. او به مجله ما آمده بود تا با هم درباره آنچه باعث شد دیپلم افتخار جشنواره رشد را با خود به خانه‌اش ببرد، صحبت کنیم. این موفقیت‌ها اتفاقی نیستند. مصاحبه دنیا را از دست ندهید!

■ دنیا، چطور سر از جشنواره رشد درآوردی؟

از اینترنت. به‌واسطه کارم صبح تا شب و شب تا صبح پای تبلت و لپ‌تاپ و رایانه هستم. طرح می‌زنم، نقاشی می‌کنم، تلگرام چک می‌کنم و هروقت بی‌کار باشم، می‌روم سراغ این سایت و آن سایت و دنبال جشنواره‌های این طرف و آن طرف. بعد - اگر زمان جشنواره‌ها تمام نشده باشد - کار جدیدم را اتود می‌زنم.

■ کمی از موضوع انیمیشن «به‌دنبال زندگی» برایمان می‌گویی؟

در آن انیمیشن داستان پسری‌های را به تصویر کشیدم که تصویرهای دلخراش جنگ را دیده، اما دلش می‌خواهد دنیای خیالی خودش را، چیزی که کودکان آرزو دارند، روی دیوارهای خراب شهر جنگ‌زده نقاشی کند.

■ حالا چرا آمدی سراغ انیمیشن؟ مثلاً چرا فیلم‌سازی را انتخاب نکردی؟

از بچگی نقاشی و فیلم‌سازی را دوست داشتم. انیمیشن نقطه

